

تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی

محسن دستگیر^۱

مهتاب کاکائی سبزه خانی^{۲*}

رامین علی پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

چکیده

محافظه کاری در حسابداری مفهومی است که سابقه‌ای دیرینه دارد و یکی از مهمترین مفاهیم محدود کننده و یک ویژگی کیفی و البته مهم اطلاعات حسابداری به شمار می‌رود. محافظه کاری یک میثاق مهم در گزارشگری مالی است و سطح احتیاط در شناسایی و اندازه گیری سود و دارایی را نشان می‌دهد. ترکیب سهامداری یا ساختار مالکیت، یکی از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی است که می تواند در کارایی هر شرکتی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. زیرا انگیزه مدیران را تحت تأثیر قرار می دهد. اساسی ترین رکن بحث حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از اعمال حاکمیت صحیح سهامداران بر اداره شرکت است. لذا هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی است. به منظور دستیابی به این هدف هشت فرضیه تدوین شد. جهت آزمون فرضیه ها با استفاده از روش حذف سیستماتیک؛ نمونه‌ای متشکل از ۱۸۶ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ انتخاب گردید و مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به کار برده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز و مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارند و مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری ندارند؛ اما مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

کلمات کلیدی

ساختار مالکیت، محافظه کاری شرطی، محافظه کاری غیر شرطی.

۱. استاد گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی هشت بهشت، اصفهان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول: mahtab.kakae74@gmail.com)
۳. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد واحد یزد، ایران.

۱- مقدمه

منبع اطلاعاتی اکثر فعالان بازار سرمایه، گزارش‌های مالی منشر شده از جانب شرکت‌ها می‌باشد که به صورت دوره‌ای در اختیار عموم قرار گرفته و مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل جهت خرید و فروش و سرمایه‌گذاری در بازار سهام می‌باشد. با افزایش منابع در اختیار مدیریت، میزان افراد ذینفع مرتبط با شرکت نیز افزایش می‌یابد که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. مدیران که در کانون این تضاد منافع قرار دارند، با اطلاعات مالی سعی می‌نمایند که این تضاد منافع را کاهش دهند. آنان این انگیزه را دارند که وضعیت شرکت را مطلوب جلوه داده و اغلب به علت اختیارات مدیریت در ارائه گزارش‌ها، فرصت اعمال این رویه را نیز به‌دست می‌آورند. بنابراین وجود مکانیزمی‌های نظارتی و کنترلی جهت حفظ منافع سهامداران ضروری است. در این میان اصول و رویه‌های حسابداری در جهت حفظ منافع فعالان بازار سرمایه و کنترل انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیران، اصل محدودکننده محافظه‌کاری را مطرح می‌کند. محافظه‌کاری در حسابداری به عنوان عدم تقارن زمانی، در شناسایی اخبار خوب در مقابل اخبار بد، در صورت‌های مالی تفسیر شده است (باسو^۱، ۱۹۹۷). در مفاهیم نظری حسابداری، محافظه‌کاری به عنوان عکس‌العملی محتاطانه در قبال عدم اطمینان و به منظور حمایت از حقوق و ادعای صاحبان سهام و اعتباردهندگان تعریف شده است. به‌طوری‌که برای شناسایی اخبار خوب در صورت‌های مالی نسبت به اخبار بد، سطح بالاتری از تاییدپذیری را الزامی می‌نماید (بیک‌بشرویه و همکاران، ۱۳۹۲). محافظه‌کاری، یکی از مشخصه‌های اصلی گزارشگری مالی است که در طول یک دوره طولانی در تئوری حسابداری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نقش آفرینی می‌کند. محافظه‌کاری می‌تواند به عنوان گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تاییدپذیری لازم برای شناسایی اخبار بد در حیطه انعطاف‌پذیری اصول پذیرفته شده حسابداری تعریف شود (باسو ۱۹۹۷؛ واتس^۲، ۲۰۰۳ و بیور و رایان، ۲۰۰۵). نتیجه این رفتار، منجر به کمتر نشان دادن سود و یا بیشتر نشان دادن هزینه‌ها و در نهایت کمتر گزارش کردن دارایی‌ها و بیشتر نشان دادن بدهی‌ها خواهد شد.

چن و همکاران^۳ (۲۰۰۷)، معتقدند محافظه‌کاری، یک مکانیزم انضباطی است که انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیران را مهار کرده و قدرت مدیران برای تسریع در افشای اخبار خوب و تاخیر در افشای اخبار بد را کاهش می‌دهد. بر حسب رویکرد فوق، انتظار می‌رود که هرچه رویه‌های حسابداری یک شرکت محافظه‌کاری‌تر باشد، به همان میزان نیز احتمال مخفی نگه داشتن اخبار بد مربوط به آن شرکت کاهش می‌یابد. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های محافظه‌کارتر در مقایسه با سایر شرکت‌ها، کمتر با بحران ناشی از انتشار یکباره اخبار بد انباشته مواجه شوند. همچنین می‌توان از محافظه‌کاری به عنوان مکانیزمی نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به‌طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تامین‌کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود. به‌طور کلی می‌توان محافظه‌کاری را محصول ابهام دانست و هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند، محافظه‌کاری را به کار می‌برند. کاربرد محافظه‌کاری در تهیه صورت‌های مالی به علت استفاده از صورت‌های مالی در قراردادهای استقراض و مزایای جبران خدمات مدیران، دعاوی حقوقی و مالیات است. در همه این موارد محافظه‌کاری از

1. Basu

2. Watts

3. Chen et al

عدم تقارن اطلاعاتی و عدم تقارن توابع زیان طرفین قرارداد، حقوقی و مودی مالیاتی و مالیات گیرنده ناشی می‌شود (لافوند و واتس^۱، ۲۰۰۸).

ساختار مالکیت به عنوان مهمترین پارامتر مؤثر بر ارزش گذاری شرکت‌ها و برای جهت‌گیری آنان در بازارهای سرمایه مطرح گردیده است. (عبداللهی، ۱۳۸۸). واژه مالکیت در فرهنگ معین (۱۳۸۶)، به معنی "حقی است که انسان نسبت به شیئی دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بنماید بجز آنچه که مورد استثنای قانون است". منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالک عمده نهایی سهام آن شرکت است. ساختار مالکیت در ادبیات حاکمیت شرکتی دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص است. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت‌هاست (پیرایش و اشتری، ۱۳۹۶). یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های مالک به یک شکل و میزان، از قدرت و همسویی در اثرگذاری بر عملکرد شرکت برخوردار نیستند (سانگون^۲، ۲۰۰۸). ترکیب مالکان یعنی این که سهامداران چه کسانی هستند و چه افرادی از میان آنها کنترل شرکت را در اختیار دارند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت، مالکیت متمرکز و مالکیت مدیریتی به عنوان ساختارهای مالکیت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یکی از موضوعات مطرح در خصوص ترکیب مالکیت، تئوری نمایندگی در شرکت‌هاست. این تئوری در وهله اول به تضاد منافع میان مدیران و مالکان می‌پردازد، اما انواع تضاد منافع را می‌توان از گروه‌های حاضر در ترکیب مالکیت یک شرکت انتظار داشت. به عنوان مثال؛ تضاد منافع میان سهامداران و طلبکاران، سهامداران حقیقی و حقوقی، سهامداران درونی و بیرونی و غیره. طبق تعریف جنسن و مک لینگ رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن صاحب کار یا مالک، نماینده یا عامل را از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند؛ اما مشکل، زمانی آغاز می‌شود که منافع مدیر در جهت منافع سهامداران قرار نگیرد؛ و یا منافع و اهداف سهامداران بزرگ با منافع و انتظارات سهامداران خرد منطبق نباشد و منجر به مسائل نمایندگی شود. ساختار مالکیت یک شرکت از ابعاد گوناگون قابل توجه است و در وهله اول برحسب دو متغیر شامل سهامداران درونی یا سهام در اختیار سهامداران داخلی و سهامداران بیرونی تعریف می‌شود. بر این اساس، سهام در اختیار سهامداران نهادی و دولت از بخش‌های اصلی مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌شود. سهام در اختیار سهامداران داخلی بیانگر درصدی از سهام در دست سهامداران است که در تملک مدیران و کارکنان شرکت قرار دارد. سهام تحت مالکیت سهامداران نهادی به درصدی از سهام شرکت اشاره می‌کند که در تملک سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی است. بر این اساس، سهام در اختیار سهامداران نهادی و دولت از بخش‌های اصلی مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌شود. همچنین ترکیب مالکیت یک شرکت را علاوه بر درونی یا بیرونی بودن می‌توان از ابعاد مختلفی مانند تمرکز یا عدم تمرکز مالکیت، نهادی یا حقیقی بودن و مدیریتی یا غیر مدیریتی بودن سهامداران مورد توجه قرارداد. اساسی‌ترین رکن بحث حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از اعمال حاکمیت صحیح سهامداران بر اداره شرکت است. با وجود این، وجود حالاتی خاص سبب می‌گردد که اعمال این حاکمیت مخصوصاً برای سهامداران خرد با موانعی روبرو شود. از این رو یکی از مقولات مهم در حاکمیت شرکتی آگاهی از ساختار مالکیت و درجه‌بندی آن در

1. Laffond and Watts
2. Sanghoon

مقیاس های استاندارد می باشد تا با استفاده از آن بتوان استراتژی های لازم در استقرار حاکمیت شرکتی را تدوین نمود (جعفری سرشت، ۱۳۸۹).

هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی می باشد؛ بنابراین انجام مطالعات بیشتر در خصوص انواع ساختار مالکیت، جهت بررسی این که مالکان مختلف، کدام یک از رویه های گزارشگری مالی (محافظه کاری شرطی با غیر شرطی) را در پیش می گیرند، ضروری به نظر می رسد. یافته های پژوهش حاضر، ضمن پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مناسبی را در اختیار سایر پژوهشگران و تصمیم گیران بازار سرمایه قرار خواهد داد. به سرمایه گذاران بالقوه در جهت بهبود تصمیمات سرمایه گذاری خود از طریق توجه بیشتر به شکل تأثیر گذاری انواع مالکین حاضر در شرکت ها بر امور شرکت و به سازمان بورس اوراق بهادار و شرکت ها در جهت پیاده سازی یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب کمک خواهد کرد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

محافظه کاری^۱ در حسابداری مفهومی است که سابقه ای دیرینه دارد و یکی از مهمترین مفاهیم محدودکننده و یک ویژگی کیفی و البته مهم اطلاعات حسابداری به شمار می رود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳). محافظه کاری به معنای تأیید پذیری متفاوت اخبار خوب و بد است، منظور از اخبار خوب، بازده مثبت سهام یا رویدادهایی است که منجر به افزایش سود می شوند و منظور از اخبار بد، بازده صفر یا منفی سهام است که منجر به کاهش سود می شوند؛ که بدین ترتیب محافظه کاری را رویه کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی ها در پاسخ به اخبار بد در مقابل عدم افزایش سود و بیشتر نشان دادن دارایی ها در مقابل اخبار خوب تعریف نموده اند (کردستانی و حدادی، ۱۳۸۸).

محافظه کاری یک میثاق مهم در گزارشگری مالی است و سطح احتیاط در شناسایی و اندازه گیری سود و دارایی را نشان می دهد (فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). محافظه کاری در حسابداری از دو دیدگاه مطرح شده است:

محافظه کاری شرطی، محافظه کاری پس رویدادی است که محافظه کاری وابسته به اخبار و محافظه کاری عدم تقارن زمانی سود نیز خوانده می شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی صورت سود و زیان اثر گذار است. بر اساس این نوع محافظه کاری در اثر اخبار ناخوشایند ارزش دفتری دارایی ها کاهش پیدا می کند در حالی که برای افزایش ارزش دارایی ها به اخبار خوشایند با قابلیت تأیید بسیار بیشتر نیاز است (باسو، ۱۹۹۷). محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. باسو، محافظه کاری شرطی را به عنوان تمایل حسابداران به وجود درجه بالاتری از تأیید پذیری برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در صورت های مالی تفسیر می کند؛ یعنی در سود، اخبار بد سریع تر از اخبار خوب منعکس می شود. این عدم تقارن در شناسایی، منجر به تفاوت هایی سیستماتیک بین دوره های با اخبار بد و دوره های با اخبار خوب از نظر به هنگام بودن و پایداری سود می شود.

نوع دیگر محافظه کاری، محافظه کاری پیش رویدادی است که محافظه کاری مستقل از اخبار است و محافظه کاری غیر مشروط (غیر شرطی) نیز نامیده می شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی ترازنامه اثر گذار بوده و از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می شود که سود را مستقل از اخبار اقتصادی جاری، کاهش می دهند (بیدل و همکاران^۲، ۲۰۱۰). محافظه کاری غیر شرطی یا پیش بینی شده، به اعمال روش های حسابداری محافظه کارانه در مرحله

شناخت و ثبت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها اشاره دارد. این نوع محافظه کاری، مستقل از اخبار، اطلاعات و شرایط موجود در لحظه ثبت و شناخت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و فقط از استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری نشأت می‌گیرد. انگیزه اصلی برای محافظه کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها است در حالی که انگیزه اصلی برای محافظه کاری مشروط، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداری جانبدارانه می‌باشد (بیور و رایان^۱، ۲۰۰۵).

ترکیب سهامداری یا ساختار مالکیت، یکی از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی است که می‌تواند در کارایی هر شرکتی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. زیرا انگیزه مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵). اساسی‌ترین رکن بحث حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از اعمال حاکمیت صحیح سهامداران بر اداره شرکت است. با وجود این، وجود حالاتی خاص سبب می‌گردد که اعمال این حاکمیت مخصوصاً برای سهامداران خرد با موانعی روبه‌رو شود. از این‌رو یکی از مقوله‌های مهم در حاکمیت شرکتی آگاهی از ساختار مالکیت و درجه‌بندی آن در مقیاس‌های استاندارد می‌باشد تا با استفاده از آن بتوان استراتژی‌های لازم در استقرار حاکمیت شرکتی را تدوین نمود. تضاد منافع سهامداران با مدیریت یکی از موضوعات مهمی است که طی دهه‌های اخیر مورد توجه محققین بوده است. طبق پژوهش‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت یکی از راه کارهای حل این معضل مطرح شده است. با توجه به تئوری نمایندگی، ساختار مالکیت به عنوان بخشی از حاکمیت شرکتی، نتیجه تلاش‌ها برای به حداقل رساندن هزینه‌های مرتبط با تفکیک کنترل و مالکیت شرکت می‌باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین به ترکیب و اجزای تشکیل دهنده سهامداران (اعم از حقیقی و حقوقی) ساختار مالکیت گفته می‌شود که در اداره شرکت سهیم هستند که می‌تواند به اشکال مختلف نمایان شود که شامل: مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت، مالکیت متمرکز، نهادی، مدیریتی و ... که توزیع حقوق و مسئولیت‌ها بین شرکای مختلف شرکت مثل هیات مدیره، مدیران، سهامداران و سایر ذینفعان را مشخص می‌کند و از قوانین و رویه‌ها برای تصمیم‌گیری در امور شرکت استفاده می‌کنند، با انجام این کار ساختاری را فراهم می‌آورد که از طریق آن اهداف شرکت و ابزار رسیدن به آن اهداف و نظارت بر عملکرد تدوین می‌شود (دارایی و امام‌جمعه، ۱۳۹۳).

مالکان نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیرومند را بازنمایی می‌کنند؛ زیرا می‌توانند با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت‌ها نفوذی چشمگیر بر مدیریت داشته و منافع مدیریت را در جهت منافع سهامداران هم‌جهت نمایند. در سال‌های اخیر مالکیت نهادی در بازارهای اوراق بهادار اروپا و آمریکا رشد چشمگیری داشته است. امروزه نقش سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان واسطه انتقال وجوه و پس‌اندازها به بازار سرمایه و مدیریت منابع در بازارهای مالی روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد (فخاری و همکاران، ۱۳۹۳). شواهد تجربی نشان می‌دهد که حضور سرمایه‌گذاران نهادی با واکنش بازار نسبت به انتشار سود رابطه مثبت دارد (جانگ و کن^۲، ۲۰۰۲). در نتیجه، سود از دیدگاه قیمت-گذاری اوراق بهادار اطلاعات مفیدی فراهم آورده، منبع اطلاعاتی مهمی نزد نهادها به‌شمار می‌آید. محافظه کاری سود، مدیران را از رفتارهای فرصت‌طلبانه و خوش‌بینی بیش از حد در ارائه سود باز داشته، بدین ترتیب سود محافظه‌کارانه‌تر، با

کیفیت تر تلقی می شود. با این اوصاف، انتظار می رود نهادها انگیزه هایی برای گزارش محافظه کارانه سود داشته باشند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

از دیگر گروه هایی که در کنار سهامداران نهادی نقش بااهمیتی در مقوله ی حاکمیت شرکتی ایفا می کنند، مالکان دولتی و نهادهای وابسته به دولت هستند (ملکیان و نیکروان فرد، ۱۳۹۴). به طور کلی سرمایه گذاران در بورس به دو دسته سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و نهادهای وابسته به دولت مانند بانک ها، بیمه تأمین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی تشکیل می دهند. این سهامداران به دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان های نقدی شرکت به طور مستقیم هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. در نتیجه به نوعی ریسک شرکت های دولتی و نهادهای وابسته به دولت را افزایش خواهند داد؛ اما عده ای معتقدند به دلیل این که دولتمردان با انگیزه حسن شهرت بر مدیران نظارت می کنند، لذا هزینه های نظارتی در شرکت های دولتی و نهادهای وابسته به دولت کمتر است (آقاوردی، ۱۳۹۶). طبق فرضیه ارتقای سیاسی (انتساب مدیران بر اساس روابط تا ضوابط از قبیل تجربه و سابقه شغلی) عملکرد مدیران شرکت های دولتی و نهادهای وابسته به دولت به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه مدت سنجیده می شود. بنابراین مدیران این شرکت ها بیشتر بر سرمایه گذاری در پروژه های کوتاه مدت تمرکز می کنند، پروژه هایی که در کوتاه مدت آثار مثبت دارند، اما آثار آن ها در بلندمدت معکوس می شود. مدیران در اثر تمرکز بر معیارهای عملکرد کوتاه مدت به استفاده از رویه های حسابداری متهورانه هم رغبت بیشتری نشان می دهند و در نتیجه اخبار خوب را سریع تر از اخبار بد شناسایی و گزارش می کنند. استفاده از رویه های حسابداری متهورانه در واقع منجر به کاهش محافظه کاری در حسابداری می شود (ژو و لی^۱، ۲۰۰۸). ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، استدلال می کنند، یکی از عوامل اصلی استفاده از حسابداری محافظه کارانه فرار از تحمل هزینه های سیاسی بالاست. شرکت های که به دلیل اتصال به دولت، هزینه های سیاسی پایین تری را متحمل می شوند، باید انگیزه کمتری برای استفاده از حسابداری محافظه کارانه داشته باشند، اما شواهدی که آن ها به دست آوردند نشان می دهد بین مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت و محافظه کاری رابطه ی مثبت وجود دارد. به دنبال افزایش سطح مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت، میزان سهام نگهداری شده توسط سایر سهامداران، کاهش می یابد. این دسته از سهامداران غیردولتی، انگیزه و فرصت کمتری برای نظارت دقیق بر رفتار مدیریت دارند؛ به طور بالقوه این امر خود منجر به اعمال سطح محافظه کاری کمتری در صورت های مالی می شود. از این رو می توان نتیجه گرفت که میزان مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت با میزان محافظه کاری در حسابداری، رابطه معکوس دارد. در محیط اقتصادی ایران، نتایج یکنواختی درباره رابطه بین مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت و محافظه کاری در دست نیست (رضازاده و خانی-لنگی، ۱۳۹۴).

تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت. هر چه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در کشورهایی که تمرکز سهامداران بالا بوده و دارای بازارهای سهام کمتر توسعه یافته هستند، یکی از مسائل اصلی اداره شرکت ها، تضاد منافع بین سهامداران اصلی و سهامداران اقلیت است. در مورد ارتباط میان تمرکز مالکیت و کیفیت محافظه کاری اکنون سه فرضیه ارائه شده است: فرضیه اول، فرضیه نظارت فعال است. طرفداران این فرضیه، این گونه استدلال می کنند که بلوک داران، سرمایه گذاران بلندمدت نگرانی هستند که انگیزه و

توانایی زیادی برای نظارت فعالانه مدیران دارند. در حمایت از این فرضیه، طرفداران آن دو دلیل را ذکر می‌کنند؛ اول این که اگر چه سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه‌گذاری‌های خود را دارند، ولی بزرگی اندازه سرمایه آن‌ها به حدی است که سهام در اختیارشان بدون تحت تأثیر قرارداد قیمت‌های سهام و کاهش ارزش آن قابل فروش نیست و بنابراین، آن‌ها مجبورند که استراتژی بلندمدتی را بپذیرند و این باعث انگیزه بیشتر آن‌ها برای نظارت فعالانه مدیر می‌شود. دوم این که بلوک‌داران نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیق‌تر و کاراتر صورت‌های مالی دارند، چون اکثر آن‌ها از میان سرمایه‌گذاران نهادی و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ هستند که امکانات بالاتری را در اختیار دارند. با توجه به دلایل ذکر شده، آنها معتقدند که تمرکز مالکیت باعث می‌شود که بلوک‌داران رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح کنند و در نهایت محافظه‌کاری بیشتری اعمال نمایند. در مقابل فرضیه نظارت فعال، دو فرضیه رقیب وجود دارد: ۱- فرضیه منافع شخصی؛ ۲- فرضیه اتحاد استراتژیک. طرفداران فرضیه منافع شخصی بر این باورند که احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه‌گذاران بزرگ از منافع خاصی، همچون دسترسی به اطلاعات محرمانه که می‌تواند در جهت اهداف معاملاتی استفاده شود، بهره ببرند. زمانی که مالکیت متمرکز می‌شود، این مسأله توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد که سهامداران بزرگ از حقوق کنترلی خود در جهت کسب منافع و استثمار سهامداران کوچک استفاده کنند. اگر فرضیه فوق صحیح باشد، بلوک‌داران ممکن است تشویق نشوند که مدیران را برای گزارش سودهای محافظه‌کارانه ترغیب کنند و این می‌تواند نشانه رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری باشد. در حمایت از وجود رابطه منفی بین تمرکز و محافظه‌کاری، فرضیه اتحاد استراتژیک می‌گوید که بلوک‌داران و مدیران همکاری و تبانی دو جانبه را به نفع یکدیگر می‌بینند و این همکاری، نظارت بر مدیران را که ممکن است ارزش شرکت را بالا ببرد، کاهش می‌دهد و درک سایر سهامداران را در مورد کیفیت سود تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد، چون آن‌ها رابطه نزدیک بین مدیران و بلوک‌داران را باعث مورد استثمار واقع شدنشان قلمداد می‌کنند و بر این اساس ما شاهد رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری خواهیم بود (حساس‌یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹).

از دیگر ساختارهای مالکیت، مالکیت مدیریتی است که به عنوان درصد سهام در اختیار مدیران داخلی شرکت تعریف می‌شود. سطح مالکیت مدیریتی متفاوت است. این تفاوت سطح می‌تواند معیاری برای اندازه‌گیری تضاد منافع بین مدیر و مالک مدنظر قرار گیرد. این تضاد از متفاوت بودن اهداف آنان ناشی می‌شود. فرض وجود تضاد منافع بین صاحبکار یا مالک و نماینده یا عامل، موجب می‌شود که هریک سعی در بهنه و حداکثر کردن منافع خویش داشته باشند (امیری، ۱۳۸۹). با افزایش سطح مالکیت مدیران داخلی، احتمال وقوع هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد. شرکت‌ها با مالکیت مدیریتی بالاتر به منظور حداکثرسازی ارزش سهامداران، از دارایی‌های خود به نحو کاراتری استفاده می‌کنند. مالکیت مدیریتی باعث کاهش انگیزه مدیران برای افزایش منافع شخصی خود و چشم‌پوشی از منافع سهامداران می‌شود (واعظ و همکاران، ۱۳۹۵). رعایت اصل محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها تا حدود زیادی، مسائل نمایندگی را حل می‌کند و تعارض بین مدیر و مالک را کمتر می‌نماید. می‌توان این گونه برداشت نمود که هرچه فاصله مدیر و مالک بیشتر باشد؛ درجه محافظه‌کاری بالاتری برای کنترل فرصت‌ها و انگیزه‌های مدیر لازم است. عکس این مطلب نیز می‌تواند صحت داشته باشد، یعنی با کمتر شدن شکاف بین مدیران و مالکان بنگاه؛ تقاضا برای محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و ضرورت آن کمتر شود.

لذا با توجه به مطالب ارائه شده، سوال اصلی پژوهش این است که آیا ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و محافظه-کاری غیر شرطی تأثیر معناداری دارد؟

۳- پیشینه تجربی پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های داخلی

همتی (۱۳۹۸)، پژوهشی را با عنوان "بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و کیفیت سود با توجه به مالکیت مدیریتی و مالکیت دولتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" با استفاده از تعداد ۱۶۲ شرکت، در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ به روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین محافظه کاری و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین مالکیت دولتی و مدیریتی این رابطه را به صورت منفی تعدیل می‌کند.

فلاح (۱۳۹۷)، پژوهشی را با عنوان "بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر محافظه کاری و هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند که در تمام طول دوره پژوهش در بازار بورس فعال باشند. داده‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی با روش پانل دیتا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین محافظه کاری و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد ولی بین تمرکز مالکیت و هموارسازی رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین نتایج نشان داد تمرکز مالکیت بر رابطه بین محافظه کاری و هموارسازی سود تأثیر ندارد.

عباسی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی در بورس تهران" را با استفاده از داده‌های مربوط به ۵۱۲ شرکت برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار دادند. روش پژوهش از نوع توصیفی، همبستگی با رویکرد کاربردی بوده و روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش همبستگی و رگرسیون چندگانه است. براساس نتایج فرضیه اول تحقیق، اعتماد بیش از اندازه مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معناداری دارد. براساس نتایج فرضیه دوم، اعتماد بیش از اندازه مدیریتی بر محافظه کاری شرطی تأثیر معکوس و معناداری دارد. براساس نتایج فرضیه سوم تحقیق، محافظه کاری موجب قوی تر شدن تأثیر معکوس بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد که اندازه شرکت تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی دارد. همچنین، نسبت اقلام تعهدی و اهرم مالی تأثیر معکوس و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر مستقیم و معناداری بر محافظه کاری شرطی دارند.

زنجیردار و ایرانی‌مشتقین (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان "تأثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر چرخه عمر شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" را با استفاده از داده‌های مربوط به ۹۴ شرکت برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق روش رگرسیون چند متغیره است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین محافظه کاری شرطی و محافظه-کاری غیر شرطی با ریسک سقوط قیمت سهام در هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت‌ها متفاوت است.

سورگی و رخشانی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت دولتی و محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" را با استفاده از ۱۵۱ نمونه طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴، مورد بررسی قرار دادند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون مدل پنل در نرم افزار ایویوز نسخه ۸ بهره گرفته شده است. روش تحقیق از نوع همبستگی و با توجه به هدف، کاربردی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این پژوهش حاکی از این است که ساختار مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معنی‌دار معکوسی دارد.

اسدی‌حاجیوند و خدامرادی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار" را با استفاده از روش آماری داده‌های ترکیبی و برای دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۱ و اطلاعات ۱۴۰ شرکت منتخب به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با کیفیت سود رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۲-۳- پژوهش‌های خارجی

لیو^۱ (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان "تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی در چین" را با استفاده از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تلفیقی طی بازه زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار داد. بدین منظور از پنج متغیر مالکیت نهادی، مدیریتی، دولتی، هرمی و مالکیت خارجی به عنوان مولفه‌های ساختار مالکیت، استفاده شده است. نتایج نشان داد که یک رابطه یو شکل معکوس بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری غیرشرطی وجود دارد، با این حال، نتایج حمایت‌های متفاوتی را برای روابط یو شکل بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری مشروط فراهم می‌کند. علاوه بر این، سطح محافظه‌کاری غیرشرطی در شرکت‌های ذکر شده با ساختار مالکیت هرمی پیچیده‌تر است، اما در بنگاه‌های فهرست شده با مالکیت بیشتر خارجی، کمتر است. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت مدیریتی با هر دو محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی رابطه منفی دارد. همچنین بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری شرطی رابطه معناداری وجود ندارد و با محافظه‌کاری غیرشرطی رابطه مثبت دارد اما معنادار نمی‌باشد.

جیمز و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان "محافظه‌کاری حسابداری: چشم انداز چرخه عمر" را مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور به بررسی ۱۰۶۸۷۴ سال شرکت طی بازه زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که محافظه‌کاری گزارشگری غیرمشروط، در طی مراحل چرخه زندگی کاهش می‌یابد اما شواهدی وجود ندارد که محافظه‌کاری گزارشگری مشروط با مراحل چرخه عمر مرتبط باشد.

احمد و دوئلمن^۳ (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "بررسی نقش بیش اطمینانی مدیریتی بر محافظه‌کاری حسابداری" به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی طی بازه زمانی ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۵ با استفاده از ۲۵۲۸ سال-شرکت پرداخته و همچنین، نقش نظارت خارجی قوی را بر این تأثیرات بررسی کردند و نشان دادند که اطمینان بیش از حد مدیریتی باعث کاهش محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی شده و نظارت خارجی قوی سبب کاهش تأثیر منفی اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری نمی‌گردد.

1. Liu

2. James et al

3. Ahmed and Duellman

کاونسیدیس و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان "محافظه کاری حسابداری، کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک سقوط قیمت سهام" را با استفاده از تعداد ۱۴۲۱۲ مشاهده طی سالهای ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۳ به روش رگرسیون مبتنی بر داده-های ترکیبی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بین محافظه کاری شرطی و غیر شرطی و خطر سقوط قیمت سهام در آینده رابطه منفی وجود دارد. علاوه بر این نشان دادند که سطح محافظه کاری غیر شرطی در رابطه بین محافظه کاری مشروط و خطر سقوط قیمت سهام در آینده تأثیر می گذارد. دیگر نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که ویژگی های حسابرسی به نظر نمی رسد به توانایی پیشبینی برای خطر سقوط قیمت سهام کمک کند.

کیم و ژانگ^۲ (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان "محافظه کاری حسابداری و ریسک سقوط سهام" را با استفاده از نمونه های بزرگی از شرکت های ایالات متحده در طول سالهای ۱۹۶۴-۲۰۰۷، مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی های آنها نشان داد که محافظه کاری انگیزه های مدیران را برای بیش نمایی عملکرد و عدم افشای اخبار بد محدود کرده و از این رو خطر سقوط قیمت سهام را کاهش می دهد. همچنین آنها با استفاده از هزینه های تحقیق و توسعه، وضعیت بازار محصولات شرکت و ترکیب سهامداران شرکت به عنوان متغیرهای مؤثر بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه-گذاران اثبات کردند که در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی، توانایی محافظه کاری برای کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است.

آیاتریدیس^۳ (۲۰۱۱)، پژوهشی با عنوان "افشای حسابداری، کیفیت حسابداری و محافظه کاری شرطی و غیر شرطی" را طی بازه زمانی ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۹ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار داد. یافته های پژوهش نشان داد واحدهایی که کیفیت افشای بالاتری دارند، مدیریت سود پایین تری دارند و محافظه کاری شرطی و غیر شرطی پایین-تری را نشان می دهند. همچنین نتایج حاکی از آن است که واحدهای با کیفیت افشای بالا، با محافظه کاری شرطی و غیر شرطی رابطه معکوس دارند.

۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع بنیادی- تجربی است. از بعد فرآیند، از نوع پژوهش کمی است، یعنی با نگرش کمی به جمع آوری و تحلیل داده های کمی می پردازد. انجام این پژوهش در چهارچوب استدلال قیاسی - استقرایی صورت خواهد گرفت. یک پژوهش استقرایی است، یعنی درصدد طراحی یک مدل کلی بر اساس مشاهدات تجربی و جمع آوری داده های کمی است. از لحاظ ماهیت پژوهش نیز اصیل (دست اول) است؛ و نهایتاً، بر اساس طرح پژوهش، نیمه تجربی با استفاده از رویکرد پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. زمانی از روش پس رویدادی استفاده می شود که محقق پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می پردازد، افزون بر این امکان دست کاری متغیر مستقل وجود ندارد. با توجه به مطالب بیان شده، از آنجایی که این پژوهش به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی پرداخته است، از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است.

در این پژوهش برای جمع آوری و گردآوری داده ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه ای استفاده به عمل می آید. در بخش کتابخانه ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری خواهد شد. همچنین برای جمع آوری و گردآوری داده ها و اطلاعات، داده های مورد نیاز از سایت کدال، نرم افزار ره آورد نوین جمع آوری

1. Kousenidis et al

2. Kim and Zhang

3. Iatridis

می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و استنباطی استفاده خواهد شد. جهت تشریح و تلخیص داده‌های جمع آوری شده از آمار توصیفی (میانگین، واریانس، همبستگی، کوواریانس و ...) و برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی بهره گرفته خواهد شد. برای تعیین نوع داده‌های ترکیبی از آزمون‌های اف لیمر و هاسمن و همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آماره‌های تی و برای آزمون اعتبار مدل از آماره اف ستفاده خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش، از نرم افزارهای اکسل و ایویوز^{۱۰} استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره زمانی شش ساله از سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

روش انتخاب نمونه از طریق روش حذف سیستماتیک (انتخاب منظم تعدادی از افراد موجود در یک لیست) می‌باشد و حجم نمونه برابر تعداد شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز شرایط زیر باشند:

۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد و در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.

۲- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ و شرکت‌های بیمه) نباشد.

۳- سهام آن‌ها در بازار بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.

۴- جزء شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده‌اند، نباشند.

باتوجه به شرایط و محدودیت‌های اعمال شده و با استفاده از روش حذف سیستماتیک، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع تعداد ۱۸۶ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۵- فرضیه‌های پژوهش

۱- مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه‌کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۲- مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر منفی و معناداری دارد.

۳- مالکیت متمرکز بر محافظه‌کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۴- مالکیت متمرکز بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر منفی و معناداری دارد.

۵- مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۶- مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر منفی و معناداری دارد.

۷- مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۸- مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر منفی و معناداری دارد.

۶- متغیرهای پژوهش

۶-۱. متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته این پژوهش محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیر شرطی است.

محافظه کاری شرطی:

به پیروی از فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۲)، برای اندازه گیری محافظه کاری شرطی از مدل خان و واتس^۱ (۲۰۰۹)، استفاده می‌شود.

مدل خان و واتس (۲۰۰۹):

جهت اندازه گیری محافظه کاری شرطی در هر سال شرکت، از معیار محافظه کاری شرطی (C-SCORE) به شرح رابطه شماره (۱) و (۲) استفاده می‌شود.

رابطه شماره (۱)

$$NI_{jt} = \beta_{1t} + \beta_{2t} D_{jt} + (\mu_{1t} + \mu_{2t} MKV_{jt} + \mu_{3t} MTB_{jt} + \mu_{4t} LEV_{jt}) * R_{jt} + (\lambda_{1t} + \lambda_{2t} MKV_{jt} + \lambda_{3t} MTB_{jt} + \lambda_{4t} LEV_{jt}) D_{jt} * R_{jt} + (\delta_{1t} + \delta_{2t}) MKV_{jt} + \delta_{3t} MTB_{jt} + \delta_{4t} LEV_{jt} + \delta_{2t} D_{jt} MKV_{jt} + \delta_{3t} D_{jt} MTB_{jt} + \delta_{4t} D_{jt} LEV_{jt} + \varepsilon_{jt}$$

که در رابطه بالا داریم:

NI_{jt} : نسبت سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت $t-1$ در پایان سال مالی

R_{jt} : بازده سهام شرکت t در سال مالی

D_{jt} : متغیر مجازی می‌باشد، در صورتی که بازده سهام منفی باشد برابر با یک و در غیراینصورت برابر با صفر می‌باشد.

MKV_{jt} : لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت t در پایان سال مالی

MTB_{jt} : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت t در پایان سال مالی

LEV_{jt} : نسبت بدهی به دارایی شرکت t در پایان سال مالی

ε_{jt} : باقیمانده یا پسماند مدل.

به هنگام اجرای رگرسیون سری زمانی برای هر سال با استفاده از رابطه شماره (۱)، هر ضریب برای این معادله را می‌توان برآورد کرد. با استفاده از این مقدار برآوردشده، $(\delta_{1t}, \delta_{2t}, \delta_{3t}, \delta_{4t})$ این ضرایب که نشان دهنده میزان تاثیر سه مشخصه‌ی مختص به شرکت تجاری هستند. C-SCORE برای هر مشاهده سالانه شرکت با استفاده از رابطه شماره (۲) محاسبه می‌گردد که نشان دهنده سطح محافظه کاری شرطی مشاهده سالانه شرکت تجاری است، هرچه این مقدار بزرگتر باشد، سطح مورد انتظار محافظه کاری شرطی بالاتر است.

رابطه شماره (۲)

$$C-SCORE = \lambda_{1t} + \lambda_{2t} MKV_{jt} + \lambda_{3t} MTB_{jt} + \lambda_{4t} LEV_{jt}$$

یکی دیگر از متغیرهای وابسته این پژوهش محافظه کاری غیر شرطی است.

محافظه کاری غیر شرطی

به پیروی از لیو (۲۰۱۹)، بیک‌بشروی و همکاران (۱۳۹۲)، برای اندازه گیری محافظه کاری غیر شرطی^۲ از معیار اقلام تعهدی منفی گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰) استفاده می‌شود.

1. Khan and Watts

2. Unconditional Conservatism

مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰)

به عقیده احمد و دونلمن (۲۰۰۷)، رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و برعکس، از این رو برای تعیین جهت محافظه‌کاری، اقلام تعهدی در منفی یک ضرب می‌شود. برای کنترل عامل تورم بر اقلام تعهدی و تغییرات محافظه‌کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح کشورها با اندازه‌های مختلف متغیرهای پژوهش بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده‌اند. الگوی مذکور به شرح رابطه شماره (۳) می‌باشد:

رابطه شماره (۳)

$$UC-1 = \frac{(-1)NOACC}{TASSit-1}$$

کل اقلام تعهدی غیرعملیاتی (-1)
جمع دارایی‌ها در اول دوره

اقلام تعهدی غیرعملیاتی از طریق رابطه شماره (۳-۴) محاسبه می‌شود.

رابطه شماره (۴)

$$NOACC_{i,t} = ACC_{i,t} - OACC_{i,t}$$

اقلام تعهدی غیرعملیاتی = جمع اقلام تعهدی اقلام تعهدی عملیاتی -

NOACC_{i,t}: اقلام تعهدی غیرعملیاتی

ACC_{i,t}: جمع اقلام تعهدی

OACC_{i,t}: اقلام تعهدی عملیاتی

جمع اقلام تعهدی از طریق رابطه شماره (۵)، محاسبه می‌شود.

رابطه شماره (۵)

$$ACC_{i,t} = NI_{i,t} + DEP_{i,t} + CFO_{i,t}$$

ACC_{i,t}: جمع اقلام تعهدی

NI_{i,t}: سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه

DEP_{i,t}: هزینه استهلاک

CFO_{i,t}: جریان نقدی عملیاتی

اقلام تعهدی عملیاتی از طریق رابطه شماره (۶)، محاسبه می‌شود.

رابطه شماره (۶)

$$OACC_{i,t} = \Delta AR_{i,t} + \Delta L_{i,t} + \Delta PE_{i,t} + \Delta AP_{i,t} + \Delta TP_{i,t}$$

OACC_{i,t}: اقلام تعهدی عملیاتی

ΔAR_{i,t}: تغییر در حساب‌های دریافتنی

ΔL_{i,t}: تغییر در موجودی کالا

ΔPE_{i,t}: تغییر در پیش‌پرداخت‌ها

ΔAP_{i,t}: تغییر در حساب‌های پرداختنی

$\Delta TP_{i,t}$: تغییر در مالیات‌های پرداختنی

۶-۲. متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت، مالکیت متمرکز، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی می‌باشد.

۱- یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت می‌باشد. مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت (SO): به استناد پژوهش‌های ملکیان و همکاران (۱۳۹۵) و ملکیان و نیکروان-فرد (۱۳۹۴)، مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت به صورت مجموع سهام در اختیار سهامداران دولتی و نهادهای وابسته به دولت تقسیم بر کل سهام منتشره شرکت محاسبه می‌گردد.

۲- یکی دیگر از متغیرهای مستقل این پژوهش مالکیت متمرکز می‌باشد. مالکیت متمرکز (CO): به استناد پژوهش خواجوی و همکاران (۱۳۹۳)، تمرکز مالکیت، درصد سهام تحت تملک بزرگترین سهامدار شرکت (اولین سهامدار عمده) می‌باشد.

۳- یکی دیگر از متغیرهای مستقل این پژوهش مالکیت نهادی می‌باشد. مالکیت نهادی (IO): به استناد پژوهش‌های همدن آمر و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، چانگ و ژانگ^۲ (۲۰۱۱) و نجفی مقدم (۱۳۹۶)، برای اندازه‌گیری مالکیت نهادی از رابطه شماره (۷)، استفاده می‌شود:

رابطه شماره (۷)

$$IO = \frac{I}{T}$$

IO = درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی

I = تعداد سهام عادی در اختیار سرمایه‌گذار نهادی

T = تعداد کل سهام عادی شرکت در ابتدای دوره

سرمایه‌گذار نهادی، موضوع بند ۲۷ ماده‌ی یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، عبارت است از: هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند.

۴- یکی دیگر از متغیرهای مستقل این پژوهش مالکیت مدیریتی می‌باشد. مالکیت مدیریتی (MO): به استناد پژوهش واعظ و همکاران (۱۳۹۵)، مالکیت مدیریتی برابر با تعداد سهام تحت کنترل هیئت مدیره می‌باشد که بر تعداد کل سهام شرکت تقسیم می‌گردد.

۶-۴. متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش شامل: اندازه شرکت، اهرم مالی، رشد فروش می‌باشد که ذیلاً به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

اندازه شرکت: لگاریتم جمع کل دارایی‌ها

اهرم مالی: نسبت کل بدهی به ارزش دفتری دارایی‌های کل

رشد فروش: برابر است با تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.

۷- مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های اول، سوم، پنجم و هفتم پژوهش از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به شرح رابطه شماره (۸) استفاده می‌شود.

رابطه شماره (۸)

$$C - SCORE = \alpha_0 + \alpha_1 SO_t + \alpha_2 CO_t + \alpha_3 IO_t + \alpha_4 MO_t + \alpha_5 SZE_t + \alpha_6 LE_t + \alpha_7 S - G_t$$

C-SCORE_{i,t}: محافظه کاری شرطی برای شرکت‌های نمونه در دوره t

SO_{i,t}: مالکیت دولتی (نهادهای وابسته به دولت) برای شرکت‌های نمونه در دوره t

CO_{i,t}: مالکیت متمرکز برای شرکت‌های نمونه در دوره t

IO_{i,t}: مالکیت نهادی برای شرکت‌های نمونه در دوره t

MO_{i,t}: مالکیت مدیریتی برای شرکت‌های نمونه در دوره t

SIZE_{i,t}: اندازه شرکت‌های نمونه در دوره t

LEV_{i,t}: اهرم مالی شرکت‌های نمونه در دوره t

S-G_{i,t}: رشد فروش شرکت‌های نمونه در دوره t

چنانچه ضریب α_1 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه اول پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

چنانچه ضریب α_2 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه سوم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

چنانچه ضریب α_3 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه پنجم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

چنانچه ضریب α_4 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه هفتم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

برای آزمون فرضیه‌های دوم، چهارم، ششم و هشتم پژوهش از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به شرح رابطه شماره (۹) استفاده می‌شود.

رابطه شماره (۹)

$$UC = \beta_0 + \beta_1 SO_t + \beta_2 CO_t + \beta_3 IO_t + \beta_4 MO_t + \beta_5 Size_t + \beta_6 Lev_t + \beta_7 S - G_t + \varepsilon$$

UC^۱: محافظه کاری غیرشرطی

UC: معیار اندازه گیری محافظه کاری غیرشرطی ذکر شده در قسمت‌های قبل

Size_t: اندازه شرکت در سال t

Lev_t: اهرم مالی در سال t

$S-G_t$: رشد فروش در سال t

چنانچه ضریب α_2 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه دوم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می شود.

چنانچه ضریب α_4 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه چهارم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می شود.

چنانچه ضریب α_6 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه ششم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می شود.

چنانچه ضریب α_8 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی دار باشد فرضیه هشتم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می شود.

۸- یافته های پژوهش

در ادامه یافته های پژوهش را به صورت بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه نموده و سپس به نتیجه گیری از این یافته ها پرداخته می شود.

۸-۱- آمار توصیفی

در جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی را برای کل مشاهده های این پژوهش نشان می دهد. همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود میانگین مالکیت دولتی برابر با ۰,۱۳۳ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه متغیر اهرم مالی برابر با ۰,۵۹۴ است که نشان می دهد نیمی از داده های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می باشد. در طی قلمرو زمانی پژوهش بیشترین مقدار متغیر مالکیت نهادی برابر با ۰,۹۸۰ بوده و کمترین مقدار این متغیر برابر با ۰,۰۴۵ می باشد. شاخص های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین شاخص های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می باشد، انحراف معیار است. همان طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر برابر با ۱,۵۴۵ و ۰,۱۲۲ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای اندازه شرکت و مالکیت مدیریتی می باشد. پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر مالکیت متمرکز مثبت و برابر با ۰,۰۳۱ می باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
محافظه کاری شرطی	C-SCORE	-۰,۰۱۶	۰,۰۴۹	۰,۳۶۴	-۰,۰۳۳	۰,۲۲۵	۰,۳۳۸
محافظه کاری غیر شرطی	UC	-۰,۱۳۴	-۰,۱۲۵	۱,۴۴۹	-۱,۸۸۴	۰,۴۰۴	-۰,۴۸۵
مالکیت دولتی	SO	۰,۱۳۳	۰	۰,۹۸۰	۰	۰,۲۲۳	۱,۹۲۷
مالکیت متمرکز	CO	۰,۴۶۶	۰,۴۸۹	۰,۹۹۴	۰	۰,۲۳۷	۰,۰۳۱
مالکیت نهادی	IO	۰,۶۷۴	۰,۷۳۲	۰,۹۸۰	۰,۰۴۵	۰,۲۲۲	-۰,۷۷۰
مالکیت مدیریتی	MO	۰,۰۲۴	۰	۰,۹۰۹	۰	۰,۱۲۲	۲,۷۰۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۳۶	۱۴,۱۸	۱۹,۷۷	۱۰,۵۳	۱,۵۴۵	۰,۸۰۳
اهرم مالی	LEV	۰,۶۱۴	۰,۵۹۴	۰,۹۹۶	۰,۰۱۲	۰,۳۰۹	۲,۲۶۵
رشد فروش	S-G	۰,۲۰۹	۰,۱۵۰	۲,۴۴۹	۰,۰۹۹	۰,۴۰۸	۱,۲۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۸- تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود.

۱-۲-۸- آزمون ناهمسانی واریانس باقی مانده‌ها

یکی از فروض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) این است که تمامی جملات پسماند دارای واریانس برابر هستند، برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس باقی مانده‌ها

مدل	فرض کلاسیک	نام آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	نتیجه
اول	همسانی واریانس	وایت	۰,۰۰۰۰	۳,۲۸۸	ناهمسانی واریانس
دوم	همسانی واریانس	بروش-گادفری	۰,۰۰۰۰	۲۱,۷۲	ناهمسانی واریانس

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج مندرج در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده برای مدل‌های اول و دوم پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد، از این رو فرضیه صفر آزمون مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود. لذا می‌توان گفت مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد و روش تخمین مدل مورد بررسی به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته^۱ (GLS) می‌باشد.

1. Generalized Least Squares Regression

۸-۲-۲- آزمون تعیین نوع داده های ترکیبی

در این پژوهش از داده های ترکیبی و برای تعیین نوع داده های ترکیبی از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) برای مدل های پژوهش نشان داده شده است، برای تخمین این مدل ها، روش به کارگیری داده ها تلفیقی یا تابلویی است. همانطور که در جدول (۳)، مشاهده می شود؛ با توجه به این که سطح معناداری آزمون اف لیمر برای مدل های پژوهش کمتر از سطح خطای ۵ درصد می باشد، بنابراین از داده های تابلویی برای برآورد مدل استفاده می شود. همچنین سطح معناداری محاسبه شده آزمون هاسمن برای مدل های پژوهش کمتر از سطح خطای ۵ درصد می باشد، بنابراین از روش اثرات ثابت برای برآورد این مدل استفاده می شود.

جدول (۳): نتایج آزمون تعیین نوع داده های ترکیبی

تشخیص	هاسمن		تشخیص	F لیمر		مدل
	سطح معناداری	آماره		سطح معناداری	آماره	
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۳۱۷,۷۳	تابلویی	۰,۰۰۰۰	۱,۷۱۷	اول
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۸۰,۵۵	تابلویی	۰,۰۰۰۰	۲,۸۷۸	دوم

منبع: یافته های تحقیق

۸-۲-۳- بررسی نبود وجود هم خطی

یکی از فروض رگرسیون بررسی همخطی بین متغیرها از آزمون عامل تورم واریانس^۱ است که بیان می دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم خطی افزایش یافته است. چون عامل تورم واریانس برای متغیرهای پژوهش کمتر از عدد ۵ بوده است، بنابراین همخطی وجود ندارد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون بررسی احتمال وجود همخطی

نماد متغیر	عامل تورم واریانس مدل اول	عامل تورم واریانس مدل دوم
SO	۱,۴۴۵	۱,۴۴۵
CO	۲,۱۳۰	۲,۱۳۰
IO	۳,۳۴۵	۳,۳۴۵
MO	۱,۰۶۸	۱,۰۶۸
SIZE	۳,۷۷۳	۳,۷۷۳
LEV	۲,۰۴۷	۲,۰۴۷
S-G	۱,۲۷۸	۱,۲۷۸

منبع: یافته های تحقیق

۳-۸. نتایج آزمون مدل های پژوهش

پس از انجام آزمون های آماری لازم، به منظور تعیین به کارگیری داده ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل های پژوهش در ادامه ارائه می گردد.

۱-۳-۸. نتایج آزمون مدل اول پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل اول پژوهش بر اساس رویکرد داده های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۵) ارائه شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) اف در مدل برابر با ۰,۰۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی داری وجود دارد؛ به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۳۵ درصد است، این ضریب بیان گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۳۵ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می باشند. برای بررسی وجود عدم خودهمبستگی از مقادیر آزمون دوربین - واتسون استفاده می شود. در این مدل مقدار سطح معنی داری آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۱,۶۰ است که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل اول

C – SCORE = $\alpha_0 + \alpha_1 SO_t + \alpha_2 CO_t + \alpha_3 IO_t + \alpha_4 MO_t + \alpha_5 SIZE_t + \alpha_6 LEV_t + \alpha_7 S - G_t$					
نام متغیر	نماد	ضریب بتا	آماره t	انحراف استاندارد	سطح معناداری
مالکیت دولتی	SO	۰,۵۰۸	۵,۹۱	۰,۰۸۵	۰,۰۰۰۰
مالکیت متمرکز	CO	۰,۲۱۸	۴,۱۹	۰,۰۵۲	۰,۰۰۰۰
مالکیت نهادی	IO	۰,۷۲۷	۳,۴۳	۰,۲۱۱	۰,۰۰۰۶
مالکیت مدیریتی	MO	۰,۴۰۳	۱۱,۱	۰,۰۳۶	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۳۸۸	-۲۱,۶	۰,۰۱۷	۰,۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰,۱۴۴	-۲,۸۰	۰,۰۵۱	۰,۰۰۵۱
رشد فروش	S-G	۰,۱۰۷	۷,۷۲	۰,۰۱۳	۰,۰۰۰۰
عرض از مبدا	C	۴,۹۵۵	۱۵,۳	۰,۳۲۳	۰,۰۰۰۰
آماره F	۴,۱۷۶	آزمون دوربین واتسون			۱,۶۰
سطح معناداری F	۰,۰۰۰۰*	ضریب تعیین تعدیل شده			۰,۳۵

منبع: یافته های پژوهش

فرضیه اول پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت دولتی برابر با ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۵۰۸ است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده‌ی متغیر مالکیت دولتی، می‌توان گفت مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌گردد.

فرضیه سوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت متمرکز بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت متمرکز برابر با ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۲۱۸ است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده‌ی متغیر مالکیت متمرکز، می‌توان گفت مالکیت متمرکز بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌گردد.

فرضیه پنجم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت نهادی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت نهادی برابر با ۰,۰۰۰۶ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۷۲۷ است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده‌ی متغیر مالکیت نهادی، می‌توان گفت مالکیت نهادی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه پنجم پژوهش رد نمی‌گردد.

فرضیه هفتم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت نهادی برابر با ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۴۰۳ است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده‌ی متغیر مالکیت مدیریتی، می‌توان گفت مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه هفتم پژوهش رد نمی‌گردد.

۲-۳-۸. نتایج حاصل از آزمون مدل دوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل اول پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۶) ارائه شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) اف فیشر در مدل برابر با

۰,۰۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۶۲ درصد است، این ضریب بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۶۲ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند. در مدل دوم پژوهش مقدار سطح معنی‌داری آماره دورین واتسون در مدل فوق برابر ۲,۲۵ است که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

جدول (۶): نتایج آزمون مدل دوم

$UC_t = \beta_0 + \beta_1 SO_{it} + \beta_2 CO_t + \beta_3 IO_t + \beta_4 MO_t + \beta_5 Size_t + \beta_6 Lev_t + \beta_7 S - G_t + \varepsilon$					
نام متغیر	نماد	ضریب بتا	آماره t	انحراف استاندارد	سطح معناداری
مالکیت دولتی	SO	-۰,۱۴۶	-۰,۴۵۴	۰,۳۲۳	۰,۶۴۹۸
مالکیت متمرکز	CO	-۰,۴۱۰	-۶,۵۷	۰,۰۶۲	۰,۰۰۰۰
مالکیت نهادی	IO	-۰,۰۵۱	-۰,۶۲۵	۰,۰۸۲	۰,۵۳۱۸
مالکیت مدیریتی	MO	۰,۰۲۱	۰,۳۸۴	۰,۰۵۶	۰,۷۰۱۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۲۱۷	۱۰,۰۵	۰,۰۲۱	۰,۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۵۰۵	۱۴,۲	۰,۰۳۵	۰,۰۰۰۰
رشد فروش	S-G	-۰,۰۰۲	-۰,۱۴۶	۰,۰۱۶	۰,۸۸۳۸
عرض از مبدا	C	-۳,۳۲۲	-۱۰,۲	۰,۳۲۴	۰,۰۰۰۰
آماره F	۱۰,۷۲۷	آزمون دورین واتسون		۲,۲۵	
سطح معناداری F	*۰,۰۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۶۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه دوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت دولتی و و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر منفی و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مالکیت دولتی برابر با ۰,۶۴۹۸ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با -۰,۱۴۶ است که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری متغیر مالکیت دولتی، نمی‌توان گفت مالکیت دولتی و و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه‌کاری غیرشرطی تاثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد.

فرضیه چهارم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت متمرکز بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مالکیت متمرکز برابر با ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۴۱۰- است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده‌ی متغیر مالکیت متمرکز، می‌توان گفت مالکیت متمرکز بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه چهارم پژوهش رد نمی‌گردد.

فرضیه ششم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت نهادی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مالکیت نهادی برابر با ۰,۵۳۱۸ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۰۵۱- است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد، اما با توجه به سطح معناداری متغیر مالکیت نهادی، نمی‌توان گفت مالکیت نهادی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه ششم پژوهش رد می‌گردد.

فرضیه هشتم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری دارد یا خیر؟

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مالکیت مدیریتی برابر با ۰,۷۰۱۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰,۰۲۱ است که نشان می‌دهد تأثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد، اما با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده متغیر مالکیت مدیریتی، نمی‌توان گفت مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه هشتم پژوهش رد می‌گردد.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، فرضیه‌های اول، سوم، چهارم، پنجم و هفتم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نگردیدند اما فرضیه‌های دوم، ششم و هشتم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد گردید.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه اول پژوهش رد نشده و می‌توان گفت مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و نهادهای وابسته به دولت تشکیل می‌دهند. مدیران این شرکت‌ها بیشتر بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کوتاه‌مدت تمرکز می‌کنند، پروژه‌هایی که در کوتاه‌مدت آثار مثبت دارند، اما آثار آن‌ها در بلندمدت معکوس می‌شود. مدیران در اثر تمرکز بر معیارهای عملکرد کوتاه‌مدت به استفاده از رویه‌های حسابداری متهورانه هم رغبت بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه اخبار خوب را سریع‌تر از اخبار بد شناسایی و گزارش می‌کنند. با توجه به اینکه محافظه کاری مشروط به تشخیص خبر خوب نسبت به خبرهای بد در شناسایی سود، نیاز به تأیید درجه بالاتری دارد. هنگامی که دولت سهامدار است، برای حفظ شهرت، به

افشای به موقع و عینی شرکت نیاز دارد تا فعالیت شرکت را به طور مؤثر کنترل کند و از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران جلوگیری کند. این می تواند به سطوح بالاتر محافظه کاری مشروط منجر شود. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش لیو (۲۰۱۹) و مطابق با پژوهش رشیدیان و همکاران (۱۳۹۳)، کویره و منصوری (۱۳۹۷)، می باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه دوم پژوهش رد شده و نمی توان گفت مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت بر محافظه کاری شرطی تاثیر معناداری دارد. یکی از عوامل اصلی استفاده از حسابداری محافظه کارانه، فرار از تحمل هزینه های سیاسی بالاست. شرکت هایی که به دلیل اتصال به دولت، هزینه های سیاسی پایین تری را متحمل می شوند، باید انگیزه کمتری برای استفاده از حسابداری محافظه کارانه داشته باشند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش لیو (۲۰۱۹) و ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، می باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه سوم پژوهش رد نشده و می توان گفت مالکیت متمرکز بر محافظه کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد. بلوک داران نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیق تر و کاراتر صورت های مالی دارند، چون اکثر آن ها از میان سرمایه گذاران نهادی و سازمان ها و شرکت های بزرگ هستند که امکانات بالاتری را در اختیار دارند. تمرکز مالکیت باعث می شود که بلوک داران رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح کنند و در نهایت محافظه کاری بیشتری اعمال نمایند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش تنانی و همکاران (۱۳۹۲) و حساس یگانه و شهریاری (۱۳۸۹)، می باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه چهارم پژوهش رد نشده و می توان گفت مالکیت متمرکز بر محافظه کاری غیر شرطی تاثیر منفی و معناداری دارد. هر قدر سهم یک سهامدار از شرکت کمتر باشد، منافع حاصل از نظارت بر رفتار مدیر کمتر خواهد بود. بنابراین تمرکز در سهام، نظارت بیشتر بر رفتار مدیر و کاهش فرصت طلبی و استفاده از رویه محافظه کاری را به همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش لیو (۲۰۱۹) و مطابق با پژوهش تنانی و همکاران (۱۳۹۲)، حساس یگانه و شهریاری (۱۳۸۹)، می باشد.

محافظه کاری شرطی تاثیر مثبت و معناداری دارد. مالکان نهادی انگیزه های زیادی برای نظارت بر گزارشگری مالی دارند. صورت های مالی و به خصوص صورت سود و زیان، منبع مهمی از اطلاعات در مورد شرکت است. شواهد تجربی نشان می دهد که حضور سرمایه گذاران نهادی با واکنش بازار نسبت به انتشار سود رابطه مثبت دارد. در نتیجه، سود از دیدگاه قیمت گذاری اوراق بهادار، اطلاعات مفیدی فراهم آورده و منبع اطلاعاتی مهمی نزد نهادها به شمار می آید. محافظه کاری سود، مدیران را از رفتارهای فرصت طلبانه و خوش بینی بیش از حد در ارائه سود باز داشته، بدین ترتیب سود محافظه کارانه تر، با کیفیت تر تلقی می شود. از این منظر سرمایه گذاران نهادی نقشی فعال در بهبود گزارش های مالی دارند، زیرا آنها خواهان پایش و به نظم در آوردن مدیران هستند تا اطمینان یابند که مدیران در جهت بیشینه سازی ارزش شرکت فعالیت می کنند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش لیو (۲۰۱۹) و حاتمی فرد (۱۳۹۶) و مطابق با پژوهش کویره و منصوری (۱۳۹۷)، می باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه ششم پژوهش رد شده و نمی توان گفت مالکیت نهادی بر محافظه کاری غیر شرطی تاثیر معناداری دارد. این بدان معنی است که مالکیت عمده سرمایه گذاران نهادی آنها را به نظارت مؤثر بر فعالیت مدیریت ترغیب می کند، به علاوه، قدرت حق رای به آنها؛ اجازه می دهد تاثیر عمده ای بر مدیریت داشته باشند، بنابراین

با وجود نظارت قوی سهامداران نهادی محافظه کاری کاهش می‌یابد. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مطابق با پژوهش ليو (۲۰۱۹)، شوکتی و همکاران (۱۳۹۳) و مغایر با پژوهش سهیلی و محمدی (۱۳۹۴)، می‌باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه هفتم پژوهش رد نشده و می‌توان گفت مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد. مدیر به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با وقوف کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده کنندگان صورت‌های مالی، به طور بالقوه سعی دارد که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهد. محافظه کاری می‌تواند در بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت مؤثر واقع شود. درواقع، تئوری نمایندگی اثبات می‌کند که مدیران برای افزایش منافع می‌کوشند تا اخبار بد مربوط به شرکت را پنهان و اخبار خوب را به سرعت گزارش کنند. این امر می‌تواند در کیفیت گزارش‌های ارائه شده تأثیر منفی داشته باشد؛ اما محافظه کاری ممکن است با تعدیل اثرهای منفی این تلاش‌ها کیفیت گزارش‌های ارائه شده از سوی مدیریت را افزایش دهد. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش ليو (۲۰۱۹) و امیری (۱۳۸۹) و مطابق با پژوهش جان-افزایی و حسنی (۱۳۹۴)، کویره و منصوری (۱۳۹۷)، می‌باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه هشتم پژوهش رد شده و نمی‌توان گفت مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری غیر شرطی تأثیر منفی و معناداری دارد. با افزایش سطح مالکیت مدیران داخلی، احتمال وقوع هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد. شرکت‌ها با مالکیت مدیریتی بالاتر به منظور حداکثرسازی ارزش سهامداران، از دارایی‌های خود به نحو کاراتری استفاده می‌کنند. چنانچه مدیریت بنگاه تجاری مالک بنگاه نیز باشد؛ نیاز به محافظه کاری کمتر خواهد شد، چون منافع مدیر و مالک همسو است و تضاد مذکور در تئوری نمایندگی از بین می‌رود. این تضاد از متفاوت بودن اهداف آنان ناشی می‌شود. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر، مغایر با پژوهش ليو (۲۰۱۹) و مطابق با پژوهش خدادادی و همکاران (۱۳۹۲)، می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادی کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

۱- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه اول پژوهش، در شرکت‌هایی که بخش بزرگی از سهام آنها در دست دولت و نهادهای وابسته به دولت می‌باشد از دیدگاه راهبری شرکتی با اعمال محافظه کاری بیشتر، نقطه ضعف نبود قدرت کنترل سهامداران بر روی هیئت مدیره، کاهش می‌یابد؛ بنابراین به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در ترکیب سهامداران، شرکت‌های با مالکیت دولتی را به عنوان یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی، مدنظر قرار دهند.

۲- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه سوم پژوهش، با توجه به این که سهامداران عمده دارای کنترل مطلق بر اداره امور شرکت باشند که این خود ناشی از تمرکز مالکیت است و با استفاده از محافظه کاری باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌گردد، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به عامل ترکیب سهامداران عمده توجه لازم را داشته باشند.

۳- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه چهارم پژوهش، با توجه به این که انگیزه اصلی برای محافظه کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها است. می‌توان نتیجه گرفت سهامداران عمده، با مشکل ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها مواجه نبوده و به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در بررسی وضعیت یک شرکت جهت سرمایه‌گذاری، ترکیب سهامداران عمده آن را به عنوان عاملی مؤثر در بهبود وضعیت شرکت مدنظر قرار دهند.

۴- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه پنجم پژوهش، یکی از راه‌های کمک به سرمایه‌گذاران جهت تصمیمات سرمایه‌گذاری بهتر و در نتیجه تخصیص بهینه منابع، ارائه راه‌کارهایی است که از طریق آنها سرمایه‌گذاران بتوانند

راحت تر اطلاعات مربوط به میزان محافظه کاری و همچنین مالکیت سهامداران نهادی شرکت ها را در اختیار داشته باشند و از آن در تصمیمات خود استفاده نمایند. یک پیشنهاد در این زمینه می تواند تأسیس و گسترش نهادهایی باشد که با تحلیل صورت های مالی شرکت ها، به ارائه اطلاعاتی شامل رتبه بندی محافظه کاری و مالکیت سهامداران نهادی شرکت ها بپردازند.

۵- بر اساس نتایج به دست آمده از نتایج فرضیه هفتم پژوهش، با توجه به این که رعایت اصل محافظه کاری حسابداری در شرکت ها تا حدود زیادی مسایل نمایندگی را حل می کند و تعارض بین مدیر و مالک را کمتر می نماید؛ بنابراین به مراجع تدوین استانداردهای حسابداری پیشنهاد می شود قوانینی جهت افشای اطلاعات جامع در خصوص میزان و سطح ساختار مالکیت مدیریتی و رعایت اصل محافظه کاری تدوین نمایند.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

۱. ابراهیمی کردلر، علی، شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و محافظه کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۵۷)، صص ۱۶-۳.
۲. اسدی حاجیوند، حسین، خدامرادی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. همایش ملی دستاوردهای نوین در حسابداری و مدیریت، تهران، مرکز آموزش علمی کاربردی واحد ۱۳ تهران، موسسه مدیریت دانش شباک.
۳. امیری، اصغر. (۱۳۸۹). رابطه بین مالکیت مدیریتی و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه پیام نور، مرکز بهشهر.
۴. آقاوردی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر اظهار اشتباه گزارشگری و واکنش سرمایه گذاران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلخال.
۵. بیگ بشرویه، سلمان، عبدزاده کنفی محمد، آل یاسین، سما (سیده طیبه). (۱۳۹۲). مروری جامع بر مدل های سنجش محافظه کاری. همایش حسابداری ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۱.
۶. پیرایش، رضا، اشتری، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین چرخش حسابرسان و ساختار مالکیت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۷ (۶۶)، ۱۷۱-۱۸۸.
۷. تنانی، محسن، وکیلی فرد، حمیدرضا، شفاعت، احمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی.
۸. جان افزایی، نصراله، حسنی، محسن. (۱۳۹۴). مالکیت مدیریتی و محافظه کاری حسابداری. مطالعات مدیریت راهبردی، (۲۱)، ۱۲۴-۱۰۹.
۹. جعفری سرشت، داوود. (۱۳۸۹). بررسی ترکیب مطلوب سهامداری در بازار سرمایه. گزارش پژوهشی مدیریت توسعه و مطالعات اسلامی بورس اوراق بهادار تهران.

۱۰. حاتمی فرد، ابوالفضل. (۱۳۹۶). تأثیر ساختار مالکیت نهادی بر رابطه بین محافظه کاری شرطی و تامین مالی خارجی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد بروجن.
۱۱. حساس یگانه، یحیی، شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش های حسابداری مالی، ۲ (۲)، پیاپی (۴).
۱۲. خدادادی، ولی، رشیدی باغی، محسن، قربانی، رامین، کاویانی، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین جریان های نقد آزاد و استفاده بهینه از دارایی ها. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی، ۱ (۱:۱)، ۹۳-۱۰۸.
۱۳. خواجوی، شکراله، داداش، ناصر، رضایی، غلامرضا. (۱۳۹۳). رابطه ساختار سرمایه، ساختار مالکیت و عملکرد با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده ها. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶ (۲۳)، صص ۷۴-۵۵.
۱۴. دارابی، رویا، امام جمعه، سیمین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر صحت پیش بینی سود. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳ (۱۰)، ۷۲-۵۵.
۱۵. رحیمیان، نظام الدین، رضایی، فرزین و میرعبداللهی، فرانک السادات. (۱۳۹۲). ارتباط میان ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، ۱ (۳)، ۸۸-۶۵.
۱۶. رشیدیان، مینا، پاک مرام، عسگر، بیگ زاده، جعفر. (۱۳۹۳). رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی در حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری، ش ۱۴.
۱۷. رضازاده، جواد، خانی لنگی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر محافظه کاری حسابداری. مجله علمی - پژوهشی دانش حسابداری مالی، ۲ (۲:۵)، صص ۵۳-۳۳.
۱۸. رضایی، فرزین، عیدان ترک زاده، خدیجه، نصیری، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر نسبت تقسیم سود شرکتها در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴ (۱۳)، صص ۱۳۳-۱۱۳.
۱۹. زنجیردار، مجید، ایرانی مشتقین، خدیجه. (۱۳۹۷). تأثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر چرخه عمر شرکت ها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ش ۳۸، ص ۵۵.
۲۰. سورگی، محمد، رخشانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت دولتی و محافظه کاری حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. سومین کنفرانس بین المللی تکنیک های مدیریت و حسابداری، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
۲۱. سهیلی، حسین، محمدی، سجاد. (۱۳۹۴). تأثیر محافظه کاری غیر شرطی بر نوع سهامداران نهادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران، موسسه همایشگران مهر اشراق.
۲۲. شوکتی، کمال، کرامتی، علی، کارزارجدی وند، رضا. (۱۳۹۳). تأثیر نوع سهامداران نهادی بر محافظه کاری غیر شرطی حسابداری. کنفرانس بین المللی مدیریت و مهندسی صنایع، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

۲۳. عباسی، ابراهیم، وکیلی فرد، حمیدرضا، معروف، مرتضی. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی در بورس تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۵)، ۲۰۶-۱۹۳.
۲۴. عبداللهی، مهین. (۱۳۸۸). بررسی رابطه تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه دکتری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۲۵. فخاری، حسین. کاشانی پور، محمد، رجب بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۳). بررسی نقش نظارتی ساختار مالکیت و خط مشی بدهی بر کنترل مشکلات نمایندگی ناشی از جریان های نقدی آزاد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت های حسابداری و حسابرسی، ۶ (۱)، صص ۹۰-۶۳.
۲۶. فروغی، داریوش، عباسی، جواد. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری. پژوهش های تجربی حسابداری مالی، ش ۱، صص ۱۳۳-۱۱۴.
۲۷. فروغی، داریوش، نخبه فلاح، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۱.
۲۸. فلاح، هادی. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بر محافظه کاری و هموارسازی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، موسسه آموزش عالی آمل، دانشکده علوم انسانی.
۲۹. کردستانی، غلامرضا، حدادی، مجید. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین محافظه کاری در حسابداری و هزینه سرمایه. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱ (۳)، صص ۵۰-۲۳.
۳۰. کویره، حسین، منصوری، ابراهیم. (۱۳۹۷). مالکیت دولتی بر ارتباط بین مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در مدیریت کسب و کار و حسابداری با تاکید بر ارزش آفرینی و اقتصاد مقاومتی، تهران، موسسه آموزش عالی امینی بهنمیر.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات میلاد.
۳۲. ملکیان، اسفندیار، سلمانی، رسول، شهبواری، معصومه. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، ۵ (۱۷).
۳۳. ملکیان، اسفندیار، نیکروان فرد، بیتا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، ۷ (۱): ۶۸/۳-۱۳۹.
۳۴. مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندر، هدی. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه. مجله پژوهش های حسابداری مالی، ۲ (۱: ۳)، صص ۶۲-۴۷.

۳۵. نجفی مقدم، علی. (۱۳۹۶). همزمانی قیمت سهام و نقش سرمایه گذاران نهادی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، ۶ (۲۳).
۳۶. واعظ، سیدعلی، انواری، ابراهیم، بنافی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه گذاری. فصلنامه حسابداری مالی، ۸ (۳۱)، صص ۱۳۲-۱۰۱.
۳۷. هاشمی، سیدعباس، امیری، هادی، نجاتی، علی. (۱۳۹۳). تأثیر چسبندگی هزینه ها بر محافظه کاری شرطی و عدم تقارن اطلاعاتی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۷ (۲۳).
۳۸. همتی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و کیفیت سود با توجه به مالکیت مدیریتی و مالکیت دولتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، موسسه آموزش عالی باختر ایلام، دانشکده مدیریت و حسابداری
39. Ahmed, A.S., & Duellman, S. (2016). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism". *Journal of Accounting Research*, 51 (1): pp1-30.
40. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". *Journal of Accounting and Economics* 24, 3-37.
41. Beaver, W., and Ryan, S. (2005). Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling. *Review of Accounting Studies*, 10 (2/3): 269-309.
42. Biddle, G.C., Ma, M.L., and Song, F.M., (2010). Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk. Available at http://rmi.nus.edu.sg/_files/events/paper/Frank%20Song%20Paper30Aug10.pdf.
43. Chen, Q., T. Hemmer and Y. Zhang. (2007). On the relation between Conservatism in accounting standards and incentives for earnings management. *Journal of Accounting Research*, 45(3):541-565
44. Chung, K.H., and Zhang, H. (2011), "Corporate governance and institutional ownership", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 46 No. 01, pp. 247-273.
45. Hamdan Amer Al-Jaifi, Ahmed Hussien Al-Rassas, Adel Al-Qadasi, (2019). Institutional investor preferences: Do internal auditing function and audit committee effectiveness matter in Malaysia?. *Management Research Review*, <https://doi.org/10.1108/MRR-11-2016-0258>.
46. Iatridis, G.E., (2011). Accounting Disclosure, Accounting Quality and Conditional and Unconditional Conservatism. *International Review of Financial Analysis*; 20, PP. 88-102.
47. James C. Hansena, Keejae P. Hongb, Sang-Hyun Park., (2018). Accounting conservatism: A life cycle perspective. *Advances in Accounting* 40 (2018) 76-88.
48. Jung, K. and S.Y. Kown. (2002). Ownership Structure and Earnings Informativeness: Evidence from Korea. *The International Journal of Accounting*, 37: 301-325.
49. Khan, M., & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 132-150.
50. Kim, J.B., and Zhang, L. (2014). Accounting Conservatism and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33 (1): 412-441.
51. Kousenidis, D.V., Ladas, A.C. and Negakis, C. (2014). Accounting Conservatism Quality of Accounting Information and Crash Risk of Stock Prices. *The Journal of Economic Asymmetries*, 11 (1): 120-137.
52. Laffond, R and Watts, R.L. (2008). The Information Role of Conservative Financial Statements. *The Accounting Review*, 83, 447-478.

53. Liu, S., (2019). The Impact of Ownership Structure on Conditional and Unconditional Conservatism in China: Some New Evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, S1061-9518(19)30030-8.
54. Sanghoon, Lee. (2008) Ownership Structure and Financial performance: Evidence from Panel Data of South Korea. *Corporate Ownership & Control*, 6(2-2), 254-267. <http://doi.org/10.22495/cocv6i2c2p1>.
55. Watts, R.L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17, 3, 207-221.
56. Zhu, C. F., & Li, Z. W. (2008). State ownership and accounting conservatism. *Accounting Research*, 5: 38-45.

The Impact of Ownership Structure on Conditional and Unconditional Conservatism

Mohsen Dastgir¹

Mahtab Kakaee Sabzekhani^{*2}

Ramin Alipour³

Date of Receipt: 2020/12/05 Date of Issue: 2020/12/15

Abstract

Conservatism in accounting is a concept that has a long history and is one of the most important restrictive concepts and qualitative and certainly important accounting information. Conservatism is an important covenant in financial reporting and shows a level of caution in identifying and measuring profits and assets. The composition of the shareholding or ownership structure is one of the key issues of corporate governance that can have a significant impact on the performance of any company. Because it affects managers' motivation. The most fundamental part of corporate governance is to ensure that shareholders exercise proper corporate governance. The purpose of this study is to investigate the effect of ownership structure on conditional and unconditional conservatism. To achieve this goal, eight hypotheses were formulated. To test the hypotheses, a systematic sample elimination method consisting of 186 companies was selected from the companies listed in Tehran Stock Exchange during the years 2013 to 2018, and multivariate regression model based on combined data was applied. The results show that state ownership, institutional ownership, concentration ownership and managerial ownership have a positive and significant effect on conditional conservatism and state ownership, institutional ownership, concentration ownership on unconditional conservatism do not have a negative and significant effect. But managerial ownership has a positive and significant effect on unconditional conservatism.

Keywords

Ownership Structure, Conditional Conservatism, Unconditional Conservatism.

1. Professor, Department of Accounting, Hasht Behesht Non-Profit Institute, Isfahan, Iran.
2. PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran (Corresponding Author: mahtab.kakaee74@gmail.com)
3. PhD student in Accounting, Azad University, Yazd Branch, Iran.